# پایان تراژیک

## یک منبع آگاه در گفت‌وگو با «شرق»: به نظر می‌رسد موضوع سرقت از خانه مهرجویی صحنه‌سازی است

**مریم لطفی:** «خواب می‌بینم در یک سردابه قرون وسطایی سلاخی می‌شوم». ۳۴ سال پیش مهرجویی این دیالوگ را از زبان حمید هامون، کاراکتر به‌یادماندنی یکی از تاریخی‌ترین آثارش گفت و بعد از گذشت سه دهه، در یک شب پاییزی به شیوه‌ای هولناک خودش و همسرش در ویلای شخصی‌شان همین‌قدر ناباورانه به قتل رسیدند.

شهرک «زیبادشت شمالی» مشکین‌آباد در استان البرز شنبه‌شب قیامت بود. هنوز هم هست. بیش از ۲۰ ساعت از قتل مهرجویی و همسرش گذشته؛ اما هنوز هیچ‌چیز عادی در آن محدوده به چشم نمی‌خورد. یک منبع آگاه که در محل حادثه حاضر است، به «شرق» می‌گوید: «همه در رفت‌وآمدند. از صبح سردار هداوند، فرمانده انتظامی استان البرز، چند بار به خانه آمده و رفته است. دادستان البرز آمده است. روبه‌روی خانه بیابانی بزرگ و متروک است، چیزی شبیه به زمین بایر. سگ‌های شناسایی پلیس روی این زمین بایر حدود یک ساعتی گشت زدند و چرخیدند. به نظر می‌رسد سرنخ‌هایی به دست آمده؛ اما هنوز چیزی اعلام نکرده‌اند. این‌طور که من متوجه شدم مقتولان در برابر قاتل مقاومتی نکرده‌اند و غافلگیر شده‌اند».

ویلای مهرجویی چیزی حدود دو هزار متر است. زیربنای ساختمان هم حدود ۲۰۰ متر است. خانه مهرجویی آخرین خانه شهرک ویلایی است و بعد از آن دیگر خانه‌ای وجود ندارد. شهرکی که محافظت می‌شود و نگهبان دارد. امنیت شهرک بالاست؛ اما فرضیه اصلی بر این است که قاتلان از همان زمین متروک مقابل خانه، خودشان را به قتلگاه این دو نفر رسانده‌اند.

او می‌گوید تصور خانواده مهرجویی بر این بوده که فضا امن است: «خانه آنها دوربین ندارد؛ اما دو دوربین در کوچه است که پلیس آنها را برای بررسی برده است. این شهرک جایی نیست که هرکسی رفت‌وآمد داشته باشد. غریبه اگر بخواهد به آن وارد شود، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. دیده‌اید که بعضی‌ها درِ داخل ساختمان را کمی باز می‌گذارند تا هوای تازه در خانه در جریان باشد. گویا خانه آنها هم این‌چنین بوده و قاتل یا قاتلان خیلی راحت وارد خانه شده‌اند. برای همین است که آثار شکستگی در خانه وجود ندارد».

او می‌گوید شنیده است اول مهرجویی را زده‌اند و بعد همسرش را؛ «آشپزخانه و ورودی خانه کنار هم است. مهرجویی در ورودی خانه بوده و محمدی‌فر در اتاق خواب». سایت جنایی نیز دراین‌باره توضیحاتی داده است: «وضعیت اجساد نشان می‌داد ابتدا داریوش مهرجویی به قتل رسیده است. عاملان قتل با چوب که به نظر می‌رسد مربوط به درخت آلبالو است، به سر او کوبیده‌اند و لکه‌های خون روی این چوب دیده شده است. بعد از اینکه داریوش مهرجویی گیج شده، شاهرگ او را قطع کرده و جسدش را مقابل آشپزخانه رها کرده‌اند. جسد همسرش وحیده محمدی‌فر در یکی از اتاق خواب‌ها پیدا شده است. گلوی او هم بریده شده؛ اما آثار برجای‌مانده روی بدن این زن نشان می‌دهد او با عاملان قتل درگیر شده و شکستگی‌هایی نیز روی دست‌وپای او وجود داشته است. احتمال داده می‌شود او با صدای درگیری که عاملان قتل با شوهرش داشته‌اند، هوشیار شده و حالت تدافعی به خود گرفته است».

این منبع آگاه همچنین به «شرق» می‌گوید به نظر می‌رسد سرقتی انجام شده؛ اما اساسا موضوع سرقت صحنه‌سازی بوده است «البته این فرضیه هنوز اثبات نشده و موضوعاتی است که در حاشیه قتل مرحوم مهرجویی و همسرش در حال بحث است؛ چون منابع رسمی هنوز اطلاعات تازه‌ای را اعلام نکرده‌اند. پسر مهرجویی هم آمد و مصاحبه با رسانه‌ها را رد می‌کرد، گریه می‌کرد و می‌گفت حرفی ندارد که بزند. دختر ۱۸ساله و یکی از اقوام‌شان اجساد را پیدا کرده‌اند». ضمن اینکه برخی منابع خبری اعلام کرده‌اند که پلیس از کارگرانی که در نزدیکی خانه داریوش مهرجویی بودند، بازجویی کرده‌اند و آنها گفته‌اند که هیچ مورد مشکوکی ندیده‌اند و زمان حادثه همگی در همان حوالی مشغول کار روزمره خود بوده‌اند.

یکی از موضوعات جنجالی در پرونده قتل مهرجویی و همسرش قاتل یا قاتلان‌اند که گمانه‌هایی مبنی بر افغانستانی‌بودن آنها مطرح است؛ اما این شاهد عینی می‌گوید: «همسر مهرجویی گفته کسی که او را هفته گذشته تهدید کرده لهجه فارسی نداشته است؛ اما هیچ حرفی مبنی بر اینکه قاتل ایرانی نبوده، مطرح نیست. ممکن است لهجه او یکی از لهجه‌های داخلی باشد، در کشورهای اطراف هم این لهجه‌ها هستند؛ بنابراین الان نمی‌توان این فرضیه را که قاتل افغانستانی بوده، لزوما درست دانست».

### پیگیری‌ها ادامه دارد

شب حادثه و البته بعد از اعلام خبر قتل مهرجویی و همسرش مجله فراز هم با حضور در محل حادثه گزارشی منتشر کرد. راننده معتمد خانواده مهرجویی به فراز گفته است که مونا مهرجویی، دختر این خانواده حدود دو ساعت پیش از قتل از پدر و مادرش بی‌خبر بوده و همین بی‌خبری هم نگرانش کرده و با راننده تماس گرفته تا خودش را به خانه برساند. وقتی هم کلید را چرخانده، جسدهای خون‌آلود را دیده و جیغ بلندی کشیده.

نزدیکان همسرش هم به ما می‌گویند احتمالا این درگیری با آن فرد که تبعه بیگانه بوده، پیشینه‌ای داشته است. قبل از این حمله هم از خانه سرقت شده بوده و حدود ۱۰ ماهی که به‌تازگی در فرانسه بودند، از خانه دزدی شده بوده است.

فراز در گفت‌وگو با کسانی که پیکر بی‌جان این دو نفر را دیده بودند، گزارشی از شب حادثه می‌دهد: «وقتی آن دو یا چند نفر غریبه وارد خانه شدند، آن دستمال پارچه‌ای، مثل همیشه دور مچ دست مهرجویی بوده. اولین شاهدان پیکر غرق در خونش هم آن دستمال را دیده‌اند، پس دست و پایش بسته نشده است. همان‌طورکه ردی از بستن دست و پای همسرش وجود نداشته است. آن دو یا چند نفر غریبه دست و پای هر دو را شکسته‌اند؛ چون وقتی بالای سر پیکرش رسیدند، سر همسرش فقط به پوست پشت گردن بند بوده است. گلوی مهرجویی هم بریده شده؛ اما نه به عمق همسرش؛ انگار که کینه غریبه‌ها با همسرش عمیق‌تر بوده باشد. البته سر مهرجویی هم از پشت با جسم سختی کوبیده و له شده بود. این دقیق‌ترین روایت از فاجعه‌ای است که اولین شاهدان پس از نیروهای آمبولانس به ما می‌گویند و شب قبل در منزل داریوش مهرجویی، کارگردان و نویسنده شهیر، اتفاق افتاده است».

شنیده‌ها هولناک است؛ با این حال منبعی آگاه به «شرق» می‌گوید: «یکی از آتش‌نشان‌هایی که شب حادثه در محل حضور داشت، گفت این‌طور نبوده که تنها پوست گردن محل اتصال سر بوده باشد؛ اما قطعا ضرباتی به گردن وارد شده است. ممکن است ضربات با این هدف که آنها نتوانند حرکت کنند، انجام شده باشد یا اینکه صرفا ضربات متعدد و پشت هم صورت گرفته و یکی هم به پشت گردن خورده است».

پیگیری‌ها ادامه دارد. ساعت به ساعت خبر جدیدی بیرون می‌آید؛ اما اطلاعات جدید اندک و قطره‌چکانی است. تا لحظه تنظیم این گزارش هنوز خبری از جزئیات فیلم دوربین مداربسته که در نزدیکی خانه مهرجویی بوده، نرسیده است.

ظهر دیروز روابط‌عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری جلسه فوق‌العاده‌ای در این وزارتخانه با نهادها و دستگاه‌های امنیتی، قضائی و انتظامی خبر داد و در آن سازمان سینمایی و مرکز حراست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئول پیگیری و گزارش این پرونده شدند. ساعت ۱۴ دیروز هم همشهری آنلاین از بازداشت چهار مظنون در جریان تحقیقات و رسیدگی به پرونده قتل مرحوم داریوش مهرجویی و همسرش خبر داد و نوشت که «هیچ‌یک از افراد بازداشت‌شده از اتباع بیگانه نبوده‌اند».

ناصر خاکی، دادستان فردیس شنبه‌شب درست روبه‌روی خانه مهرجویی گفت که قتل این دو نفر حداقل بین ساعت ۱۰ دقیقه به ۹ شب تا ده‌ونیم اتفاق افتاده است. یک ساعت و ۴۰ دقیقه که همه چیز را کن فیکن کرد.

از همان اول گمانه‌هایی مبنی بر نوع شباهت این دو قتل به کشته‌شدن بابک خرمدین و مثله‌شدن تن مهرجویی و وحیده محمدی‌فر مطرح شد. اما ظهر دیروز، خبرگزاری فارس هم به نقل از منبعی آگاه این گزاره را رد کرد و نوشت که «داریوش مهرجویی با سه ضربه در گلو و ضربه‌ای به سر» و «همسرش با ضربه‌ای به شاهرگ» جان باخته است. این فرد همچنین گفته بود که «گفته می‌شود همسر مهرجویی یکی دو النگو در دست داشته که در جسد وجود ندارد؛ دو گوشی موبایل نیز به سرقت رفته است. یکی دیگر از گمانه‌زنی‌ها مربوط به پست اینستاگرامی چند شب پیش مرحوم «محمدی‌فر» مبنی بر تهدیدشدنش به قتل بود، که این منبع آگاه اعلام کرد هیچ شکایتی از طرف داریوش مهرجویی و همسرش در این باره ثبت نشده بود». ناصر خاکی دادستان فردیس شنبه‌شب در ویدئویی توضیح داد که «با توجه به مراجعه دختر متوفی به منزل متوجه می‌شود که پدر و مادرش با ضربات متعدد چاقو و یا شیء برنده به قتل رسیده‌اند. دختر متوفی سریع با پلیس تماس می‌گیرد. با توجه به اهمیت موضوع سریع گزارش شد و بنده بر حسب‌الامر دادگستری استان البرز به همراه بازپرس کشیک قتل با اعضای تیم تشخیص هویت آگاهی در صحنه حاضر شدیم.

با بررسی اولیه متوجه شدیم که مرحوم مهرجویی و همسرشان با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌اند. دستور مقتضی برای شناسایی سریع قاتلان و همچنین مظنونان صادر شد».

او از مردم خواست تا به شایعات دامن نزنند و اجازه دهند پلیس مظنونان را شناسایی کند و آنها می‌کوشند قاتل در سریع‌ترین زمان ممکن دستگیر شود.

تا اینجای کار تنها شنیده‌ها و گمانه‌هایی است که مطرح می‌شود. هیچ تضمینی برای درست‌بودن آنها وجود ندارد. پلیس، دادستانی و سایر منابع رسمی فعلا هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی رسمی‌ای در این باره نکرده‌اند. همین فقدان اخبار و منابع رسمی به نشر اخبار غیرموثق بیشتر دامن می‌زند. این روزها که خبرهای بد و اخبار تلخ شبیخون زده‌اند و دسترسی به اخبار واقعی سخت شده، بازار فیک‌نیوزها بیش از همیشه داغ است و تمییز سره از ناسره گاهی ناممکن است.

البته دیروز گزارش پزشکی قانونی درمورد قتل داریوش مهرجویی و همسرش منتشر شد. رئیس کل دادگستری البرز در این باره گفت: «گزارش پزشکی قانونی پس از انجام کالبدگشایی علت فوت مرحوم مهرجویی و همسرش را خون‌ریزی شدید به دلیل جراحات وارده به واسطه برخورد چاقو یا جسم برنده و نوک‌تیز به بدن اعلام کرده است. ضرباتی با چوب یا جسم سخت نیز به سر مرحوم مهرجویی برخورد کرده که منجر به شکستگی سر نشده و علت فوت نبوده است. طبق گزارش پزشکی قانونی فرضیه‌ها درمورد تجاوز در مورد هر دو نفر از مقتولان منتفی است».

او تأکید کرد: «دستورات قضائی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عوامل این جنایت در سریع‌ترین زمان ممکن به مقامات قضائی و انتظامی استان البرز صادر شده است. از هرگونه گمانه‌زنی درخصوص مسبب یا مسببان این جنایت تا زمان روشن‌شدن ابعاد پرونده خودداری شود».

### نوش‌دارو بعد از مرگ سهراب

یکی از نکات عجیب روز گذشته مصاحبه روزنامه اعتماد با همسر داریوش مهرجویی بود. مصاحبه‌ای که در روزی منتشر می‌شد که خانم محمدی‌فر دیگر جان باخته بود. البته اصالت این مصاحبه محل تردید قرار گفت چرا که آنچه به عنوان نقل قول خانم محمدی‌فر در گفت‌وگو با این روزنامه چاپ شده بود عینا متن پست اینستاگرام وی بود. محمدی‌فر در رابطه با اتفاقی که هفته گذشته برای او رخ داده بود، گفته بود: «شب حادثه حدود ساعت هشت در حالی که خانه در آرامش کامل بود ناگهان متوجه سروصدای سگ‌مان در حیاط خانه شدم. سریع در ورودی آشپزخانه را قفل کردم. تا اینکه متوجه شدم مقابل در ورودی ساختمان یک نفر با چاقو به شیشه‌های مات پنجره چسبیده است. هرچه از او خواستم خودش را معرفی کند هیچی نگفت. موبایلم نزدیکم نبود، ولی سعی کردم سرعت عمل داشته باشم. با صدای بلند گفتم الان به ۱۱۰ زنگ می‌زنم. او هم در پاسخ به این حرف من گفت خب زنگ بزن. ترسیده بودم تا گفتم الو ۱۱۰ سارق فرار کرد». وحیده محمدی‌فر گفته بود که وقتی سارق در جواب به او گفت خب زنگ بزن، متوجه شده که این فرد لهجه ایرانی ندارد؛ «بعد از فرار سارق با نگهبانی شهرک تماس گرفتم. آنها هم سریع خودشان را به حیاط خانه ما رساندند و شروع به گشتن حیاط و کوچه‌های اطراف کردند، اما کسی را ندیدند. البته مدتی پیش هم یک‌سری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیر کارهای قانونی این موضوع است».

### خداحافظی با عالی‌جناب

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد جوان ۲۰ساله‌ای که از دل خانواده‌ای فقیر برای ادامه تحصیل راهی کالیفرنیا شد، در ۸۴سالگی در ویلای شخصی‌اش در یک شب پاییزی به طرز هولناکی کشته شود. مهرجویی در نوجوانی به موسیقی و سینما علاقه داشت. زبان انگلیسی می‌دانست و در کالیفرنیا اول خواندن سینما را شروع کرد اما خیلی زود آن را رها کرد و در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه یوسی‌ال‌ای لیسانس فلسفه گرفت.

همان موقع سردبیری نشریه پارس ریویو در لس‌آنجلس را عهده‌دار شد و به تهران که برگشت، نخستین فیلمش به نام الماس ۳۳ را در سال ۱۳۴۶ ساخت.

سال ۱۳۴۸ «گاو» را آفرید. این فیلم جوایز زیادی را در جشنواره‌های بین‌المللی درو کرد. بعد از بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب ایران به ثمر رسید، عازم فرانسه شد و چند سال بعد، دوباره راهی وطن شد. ماهنامه فیلم در شهریور ۱۳۸۳ در گزارشی اعلام کرد که بر اساس نتایج یک نظرسنجی مهرجویی با آفریدن هفت شخصیت، بیشترین شخصیت سینمایی ماندگار را در سینمای ایران خلق کرده است و شخصیت هامون در فیلمی به همین نام از مهرجویی، ماندگارترین شخصیت در تاریخ سینمای ایران معرفی شده است.

مهرجویی جوایز بین‌المللی بسیاری گرفته است؛ مثل جایزه صدف طلایی بهترین فیلم جشنواره فیلم سن‌سباستین، سه جایزه ویژه و جایزه بخش نگاه نو و جایزه فیپرشی از جشنواره فیلم برلین، جایزه فیپرشی جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز و جایزه هوگو نقره‌ای جشنواره بین‌المللی فیلم شیکاگو.

می‌گویند مهرجویی «احتمالا تنها فیلم‌سازی است که هم پیش از انقلاب فیلم‌هایش توقیف شده و هم پس از انقلاب». فیلم سنتوری در ۱۳۸۵ ساخته شد اما وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم اجازه اکران عمومی آن را صادر نکرد در نهایت در دولت دهم وارد شبکه نمایش خانگی شد که آن موقع به صورت ویدئو بود.

اسفند ۱۴۰۰ که پروانه نمایش جدید برای فیلم لامینور او از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم صادر نشد، این فیلم به شکل رسمی از ترکیب اکران نوروز ۱۴۰۱ خارج شد و تلاش هیچ‌کس از تهیه‌کننده تا بیانیه صنف‌های سینمایی برای حل این موضوع نتیجه نداد. استدلالشان این بود که چون دو سال از صدور مجوز نمایش این اثر گذشته، این مجوز منقضی شده است.

بعد از آن مهرجویی در ویدئویی دودقیقه‌ای در حالی که از عصبانیت می‌لرزید گفت: «من معترضم. این پروانه نمایش فیلم اخیر من است، شیر یا گوشت نیست که بگویید تاریخش گذشته است. شما به من پروانه نمایش دادید؛ چرا زیر قول خودتان می‌زنید؟» حالا دیگر این پستی‌ها و بلندی‌ها گذشته و مهم نیست که کسی زیر قولش بزند.

---

### جدول ۴۶۱۴ • طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- شکوه و جلال- مربوط به عقل- ترک‌بند ۲- صفتی برای سحرخیز- تابناک- پایتخت یونان ۳- گله چهارپایان- شعاع نور- رفت‌وآمد ۴- غذای اصلی خرس پاندا- کاغذ تورنسل را قرمز می‌کند- نوعی لقب ۵- قیمت مطلوب- آلیاژی از آهن ۶- گروی- سردی مطبوع- رمان مشهور پائولو کوئیلو ۷- بیزار- بلوز تابستانی آستین‌کوتاه- صد مترمربع ۸- سنگ چاقو تیزکنی- از جزایر دریای خزر- غذا را به سمت معده هدایت می‌کند ۹- از واحدهای سنتی وزن- به سختی یافت می‌شود- پاکان ۱۰- پیل الکتریکی- موزه مشهور آمستردام- رمانی نوشته رضا امیرخانی ۱۱- از مرکبات- صبحانه‌نخورده ۱۲- نوعی شمعدان پایه‌بلند- رشوه‌دادن- جنگ نادرشاه و شاه گورکانی ۱۳- نوعی راه‌رفتن اسب- فرستاده خدا- کلام ۱۴- اسباب نواختن موسیقی- گروهی- نمی‌شنود ۱۵- در گرو- غذای سنتی ایرانی که پایه آن برنج است- عدد اول

**عمودی:**

۱- اندیشه بی‌سابقه- مکتب ادبی که در آن احساسات و حالات روحی به‌طور غیرمستقیم القا می‌شود ۲- خدای هندو- به درستی که- سقف فروریخته ۳- آلبومی با آواز علیرضا افتخاری- مالاریا ۴- نیم‌صدای درازگوش- صفت بهشت- ناپسند داشتن ۵- ساز عاشیق‌های آذربایجان- خویشاوند- بخش اصلی نوشته ۶- سدی خاکی در نزدیکی تهران- منسوب به آخرت- نهی‌کننده ۷- اهل سنت بودن- چرخ تولید را می‌چرخاند- واحدی برای وزن معادل ۷۰۷ گرم ۸- مرطوب- نوشتاری- بوی خوش ۹- پول ژاپن- بسندگی- پهلو ۱۰- از موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی- آگاه و مطلع- نوع، گونه ۱۱- شکل و قالب- سرشار- نوعی شیرینی ۱۲- ریاضیدان فرانسوی قرن هفدهم- تیغ موکت‌بری- تردید ۱۳- نویسنده کتاب تاریخ تحولات اجتماعی ایران- طراحی صحنه فیلم ۱۴- عصبانی و خشمناک- نوعی پارچه ضخیم- برادر ۱۵- یکی از روش‌های اصلی و سنتی در مجسمه‌سازی است- ترس‌آور

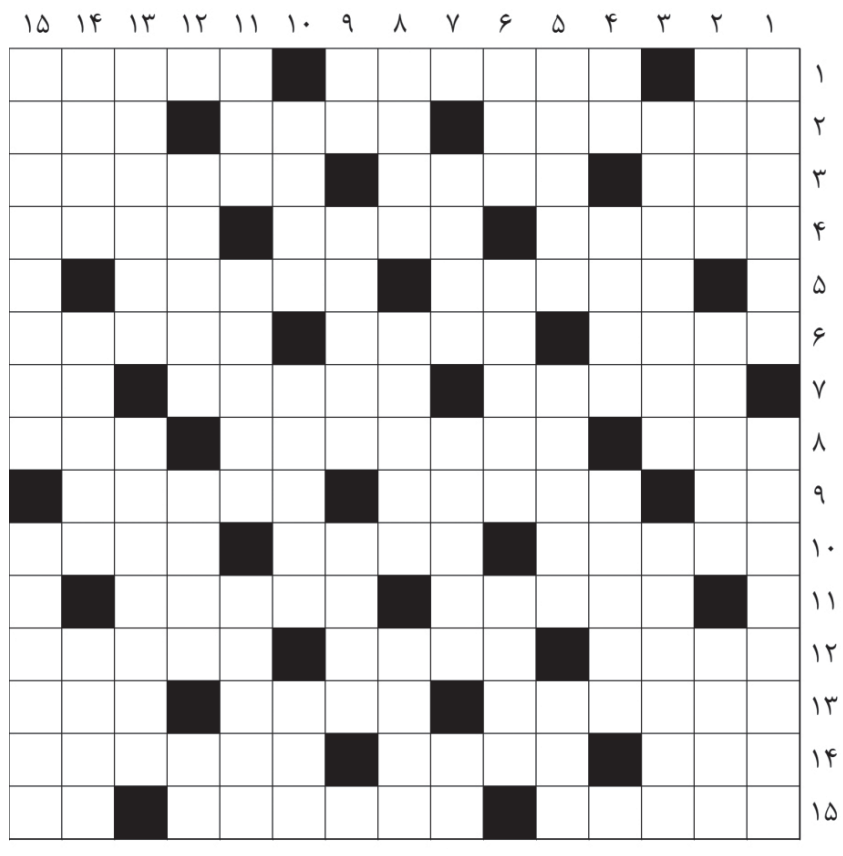

### حل جدول ۴۶۱۳

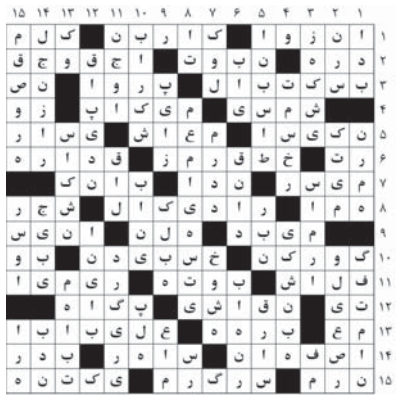

### حل سودوکو سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۳ | ۱ | ۶ | ۲ | ۴ | ۷ | ۸ | ۵ | ۹ |
| ۲ | ۵ | ۸ | ۶ | ۱ | ۹ | ۴ | ۳ | ۷ |
| ۹ | ۷ | ۴ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۲ | ۱ |
| ۵ | ۶ | ۲ | ۹ | ۸ | ۳ | ۷ | ۱ | ۴ |
| ۱ | ۸ | ۳ | ۴ | ۷ | ۶ | ۲ | ۹ | ۵ |
| ۴ | ۹ | ۷ | ۱ | ۵ | ۲ | ۳ | ۸ | ۶ |
| ۷ | ۳ | ۹ | ۸ | ۶ | ۱ | ۵ | ۴ | ۲ |
| ۶ | ۴ | ۱ | ۳ | ۲ | ۵ | ۹ | ۷ | ۸ |
| ۸ | ۲ | ۵ | ۷ | ۹ | ۴ | ۱ | ۶ | ۳ |

### حل سودوکو ۳۶۰۹

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۷ | ۹ | ۳ | ۱ | ۸ | ۲ | ۴ | ۵ |
| ۴ | ۲ | ۳ | ۷ | ۹ | ۵ | ۸ | ۶ | ۱ |
| ۸ | ۵ | ۱ | ۶ | ۴ | ۲ | ۷ | ۳ | ۹ |
| ۲ | ۳ | ۶ | ۵ | ۸ | ۴ | ۹ | ۱ | ۷ |
| ۹ | ۸ | ۴ | ۱ | ۷ | ۳ | ۶ | ۵ | ۲ |
| ۵ | ۱ | ۷ | ۲ | ۶ | ۹ | ۴ | ۸ | ۳ |
| ۳ | ۹ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۲ | ۶ |
| ۱ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۶ | ۵ | ۷ | ۸ |
| ۷ | ۶ | ۵ | ۸ | ۲ | ۱ | ۳ | ۹ | ۴ |

### سودوکو سخت ۳۶۱۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۷ | | | ۴ | | | |
| | ۱ | | | | ۹ | | ۲ | ۴ |
| | | | | ۷ | | | | ۶ |
| ۷ | | ۶ | | ۱ | | ۵ | | |
| | | | ۵ | | | | | |
| | | ۹ | | ۴ | | ۳ | | ۲ |
| ۲ | | | | ۸ | | | | |
| ۸ | ۵ | | ۷ | | | | ۶ | |
| | | | ۱ | | | ۲ | | |

### سودوکو ساده ۳۶۱۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۹ | ۵ | ۱ | | | ۴ | | ۷ |
| | | | ۵ | ۹ | ۴ | | ۲ | |
| ۳ | ۴ | | ۸ | | | | ۹ | |
| | | ۴ | ۷ | | ۱ | ۳ | | |
| | ۳ | | | | | | ۴ | |
| | | ۶ | ۳ | | ۸ | ۹ | | |
| | ۵ | | | | ۷ | | ۳ | ۴ |
| | ۶ | | ۹ | ۸ | ۵ | | | |
| ۸ | | ۷ | | | ۲ | ۵ | ۶ | |